

آیا شهر کماکان به فروش می‌رسد؟ داستان دنباله‌دار نمایشگاه بین‌المللی تهران



این روزها سرنوشت نمایشگاه بین‌المللی تهران به فصل جدیدی از درگیری‌های جناحی دست‌اندرکاران امور مملکت تبدیل شده است. پس از انتخابات شورای شهر در سال ۱۳۸۱ که تنها ۱۳٪ واجدین شرایط در تهران در آن شرکت کردند، شورای شهر و در پی آن شهرداری پایتخت به دست جناح محافظه‌کار افتاد. پس از جدال‌های اولیه بر سر به دست گرفتن مدیریت روزنامه همشهری، شورای شهر و شهردار جدید منتخب آن محمود احمدی‌نژاد، متولیان تازه شهر یک رشته برنامه‌های مشخص برای حل مسائل پایتخت اعلام کردند که حل معضل ترافیک روز به روز بحرانی‌تر شونده تهران در صدر آن قرار داشت. اولین اقدام شهردار جدید ترمیم ضربتی آسفالت خیابان‌های تهران ظرف ۴۵ روز بود. در عین حال حضور ناگهانی و فعال‌تر نیروی انتظامی برای اعمال طرح محدوده ترافیک که از خرداد ۱۳۷۶ عملاً رها شده بود از انتظار دور نماند.

در هر صورت مدیران و مسئولان جدید تهران با مشروعیت انتخاباتی ضعیفی به روی کار آمده بودند و عدم مشارکت گسترده شهروندان در انتخابات نشانه مثبتی از اعتقاد مردم به کفایت، توانایی و شاید حتی صداقت جناح‌ها و نمایندگان سیاسی موجود به دست نمی‌داد. اگر محافظه‌کاران تازه انتخاب شده قصد تغییر دادن این تلقی منفی نسبت به شورای شهر را می‌داشتند تنها فرصت محدودی در اختیار آنها بود تا مردم را متقاعد کنند جناح

آنها از توانایی‌های بالاتر و بینش بهتری نسبت به شورا و شهرداران اصلاح‌طلب قبلی برخوردار است. شاید این که هم شورای شهر و هم شهردار تا اینجای کار بر طرح و پیگیری سیاست‌های عمدتاً جنجال برانگیز و پرسر و صدا تاکید داشته‌اند بیشتر در جهت تاکید بر آن بوده که برخلاف گذشته آنها دارند کاری عملی و در جهت منافع شهروندان انجام می‌دهند. رقابت نیمه آشکاری که رژیم فعلی حاکم بر شهر با ادوار گذشته دارد مستمسکی شد برای سخنگوی دولت آقای رمضان‌زاده که با طعنه‌های واضح در پاسخ اقدام شورای شهر و شهرداری برای تعطیلی قریب‌الوقوع و انتقال نمایشگاه اعلام کند که «اینها تنها تقلید ناشیانه‌ای است از حرکت کرباسچی که انگویی را شروع کرد. کرباسچی جنوبی‌ترین نقطه تهران و کشتارگاه متعفن را به مرکز فرهنگی تبدیل کرد. اما دوستان ما می‌خواهند جایی که مرکز توسعه اقتصاد ملی است را جایجا کنند. فکر نمی‌کنم آقایان با بازار و ترافیک حول و حوش آن کاری داشته باشند. چون اقتصاد مدرن هدف قرار گرفته و نه اقتصاد سنتی و واسطه‌ای کشور»^۱

البته قضاوت در این که تا چه حد شورا و شهرداری فعلی در مدیریت شهری موفق بوده‌اند به عهده شهروندان است. ولی بیلان کار در این یکساله چندان امیدوار کننده نبوده است. از پیشنهادات بحث‌انگیز آقای شهردار که بگذریم - برای نمونه می‌توان به پیشنهادات ایشان برای تبدیل میداين شلوغ شهر به مزار شهدا، زنانه - مردانه کردن پارک‌ها، تبدیل شهرداری به واسطه که برای ازدواج جوانان به آنها وام کم بهره می‌دهد... اشاره کرد - طی سال گذشته شهرداری و شورای شهر در دو حوزه جایگزین کردن عوارض به جای فروش تراکم و اصلاح ترافیک شهری به اقداماتی دست زده‌اند که قابل بررسی است. [فروش تراکم که از دوره کرباسچی به بعد تبدیل به یک سیاست بحران برانگیز شهری شد^۲ گویا تا حدی تعدیل یافته و قرار است عوارض افزایش یافته شهری تا حدی جای درآمد فروش تراکم را بگیرد. اما اگر چه عوارض شهری به ناگهان و به طوری بی‌سابقه تا ده برابر در سال افزایش یافته ولی تراکم‌سازی که قرار بود محدود شود نیز همپای آن کماکان در مناطقی چون منطقه‌های ۱ و ۳ به شدت ادامه دارد و اگر نه کُتید شدن روند بساز و بفروشی بیشتر به خاطر رکود بازار در اثر افزایش حیرت-انگیز قیمت‌ها بوده تا اقدامات شهرداری. از سوی دیگر در نظارت بر کیفیت ساختمان‌های در حال احداث خصوصاً پس از زلزله اخیر و هشدارهای متعدد شهرداری تغییری نداده و ظاهراً ساخت و سازهای در جریان با همان کیفیت نازل اجراء دنبال می‌شوند.

در مورد ترافیک شهری نیز علیرغم همکاری ناگهانی نیروی انتظامی در اجرای ترافیک خیابان‌های شهر روز به روز بیشتر به پارکینگ شباهت پیدا می‌کنند تا بزرگراه و جاده و کوچه^۳ از این رو شاید اقدام ناگهانی شورای شهر در اعلام یک طرفه تعطیلی دائم نمایشگاه بین‌المللی و تهدید به بلمب ساختمان‌ها و حتی اعزام نیروهای شهرداری و صف آرایی آنها در برابر نیروهای حراست نمایشگاه بیشتر از نوعی سردرگمی حکمرانان جدید پایتخت در ارائه راه‌حل‌های ملموس برای مشکلات عمده شهری حکایت داشته باشد و به ویژه حل و فصل این مسائل در قد و قواره شعارهای انتخاباتی و ادعاهای سیاسی آنها.^۴ انگیزه این اتمام حجت یک طرفه با نمایشگاه و برگزار کنندگان آن هر چه بوده باشد نتیجه آن شد که مسئله‌ای که با چانه‌زنی‌های اداری شهرداری با وزارت بازرگانی

شروع شده و صحبت بر سر انتقال (فروش) ۴۹٪ یا ۵۱٪ سهام نمایشگاه به شهرداری بود^۵ با اقدام غیرمنتظره شورای شهر در تیر ماه امسال ناگهان صورت یک بحران جدی به خود گرفت که در نتیجه آن هیئت دولت و تعدادی از وزرای ارشد کابینه، اصناف متعدد، اتاق بازرگانی، و مجریان نمایشگاه علناً در مقابل شورای شهر و شهرداری تهران صف آرایی کردند.

مسئله انتقال نمایشگاه بین‌المللی تهران سخن جدیدی نیست. هم فضای فعلی برای برخی نمایشگاه‌های پیر طرفدار محدود است و هم حجم سنگین رفت و آمدها ترافیک آن ناحیه را به گره کوری تبدیل می‌کند. شورای شهر و شهرداری با استناد به حقوق شهروندان منطقه که از این گره ترافیکی به عجز آمده‌اند حکمی صادر می‌کنند که طبق آن نمایشگاه بین‌المللی باید بلافاصله از اول مرداد به مکان دیگری منتقل شود و برای این منظور محل کارخانه‌ای در نزدیکی کرج را پیشنهاد می‌کنند. طبق گزارش روزنامه/ایران مکان پیشنهادی و خود شرکت سیما چوب متعلق یا وابسته به صدا و سیما است که مدیر سابق آن محمدجواد محمدی‌زاده در حال حاضر معاون خدمات شهری شهرداری است.^۶ بر طبق گزارش مصور روزنامه/ایران در روز ۲۲ مرداد این مکان شرایط لازم برای برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی - مثلاً نمایشگاه فرش - را ندارد؛ موضوعی که اصناف مختلف و نهادهای مسئول مثل وزارت بازرگانی، سازمان نمایشگاه‌ها، و سخنگوی دولت و حتی رئیس جمهور با قاطعیت بر آن تاکید کرده‌اند.^۷ اعتراض مخالفان با انتقال نمایشگاه به این صورت ناگهانی و بدون برنامه‌ریزی و زمینه‌سازی لازم بر این مبنا است که نمایشگاه بین‌المللی یک رسانه ملی و حتی یک شاخه اقتصادی است که از طریق آن صادرات غیرنفتی در سطح بین‌المللی (و داخلی) معرفی شده و ارتقاء می‌یابند.^۸



محل فعلی نمایشگاه علیرغم معضل ترافیک، محلی خوشایند و آبرومند برای میزبانی شرکت کنندگان داخلی و خارجی است. این محل در جایی از شهر واقع شده که نزدیک به مناسب‌ترین هتل‌های بین‌المللی است. زیربنای لازم - مثل گمرک، شریان‌های حمل و نقل، نزدیکی به فرودگاه، امکانات ارتباطات الکترونیکی آن به روز است. تا شرایط مشابهی در یک مکان مناسب دیگر آماده نشود انتقال نمایشگاه‌هایی که از مدت‌ها پیش برنامه‌ریزی شده و میزبان شرکت کنندگان خارجی می‌باشند ممکن نیست و اخلاف در نمایشگاه و مکان و ترتیب آن خدشه جبران‌ناپذیری به صنایع و فعالیت‌های اقتصادی رقابتی کشور در سطح جهانی خواهد زد. برای مثال امسال سیزدهمین نمایشگاه فرش تهران با فاصله زمانی نزدیکی با نمایشگاه‌های فرش چین و پاکستان که بزرگترین رقبای فرش ایران در بازارهای جهانی هستند برگزار خواهد شد. اصناف تولیدکننده و صادرکننده فرش مخالفت شدید خود را با این اقدام شهرداری ابراز داشته و اعلام کردند در صورت تغییر محل نمایشگاه آن را برگزار نخواهند کرد و شهرداری را مسئول لطمه اقتصادی جبران‌ناپذیر چنین وضعیتی معرفی خواهند کرد. علاوه بر صنعت فرش اصناف شیرینی‌پز، صادرکنندگان کالاهای صنعتی و مهندسی، و انفورماتیک نیز به این تصمیم شهرداری شدیداً اعتراض کرده‌اند. صف آرای تولیدکنندگان، اصناف و سرمایه‌داران در برابر شهرداری حتی پای محمدرضا بهزادیان رئیس اتاق بازرگانی تهران و علینقی خاموشی رئیس اتاق بازرگانی ایران را نیز به میان کشید. آقای خاموشی علیرغم عضویتش در حزب مؤتلفه، نسبت به اقدام شهرداری اعتراض نموده و هشدار داد «تعطیلی نمایشگاه بین‌المللی اعتبار ایران را خدشه دار می‌کند» (ایران، ۱۳ مرداد).

شورای شهر و شهرداری برای تعطیل کردن نمایشگاه به ماده ۵۵ قانون شهرداری استناد کرده و نمایشگاه را جزو مشاغل مزاحم اعلام کردند که برای تضمین رفاه شهروندان باید به خارج محدوده شهر منتقل شود، در حالی که به نظر نمی‌آید ماده قانونی ذکر شده شامل حال نمایشگاه بین‌المللی شود که تنها اتهام آن ایجاد ترافیک سنگین مقطعی است.^۱ منتقدین شهرداری به درستی اشاره می‌کنند که چندین مکان مهم در همان حول و حوش نمایشگاه گرمهای ترافیکی مشابهی ایجاد می‌کنند - باشگاه انقلاب، مرکز اجلاس سران و بدتر از همه شهربازی که به عنوان بزرگترین مکان تفریحی پایتخت در سه ماه تابستان میزبان ترافیکی دائم می‌باشد. شهرداری مدعی است که طی یک نظر سنجی ۸۰٪ شهروندان منطقه از وضعیت ناراضی بوده و خواستار تعطیلی نمایشگاه شده‌اند^۲ در پاسخ شهردار اسحاق جهانگیری وزیر صنایع متذکر شد که گویا منظور آقای شهردار از «شهروندان» صاحبان خودرو است، چون مردم محل با شناختی که از کوچه پس کوچه‌ها و ساعات ازدحام و ترافیک دارند گلیم خود را از آب می‌کشند، و تنها رانندگانی که از مسیر استفاده می‌کنند اسیر گره ترافیکی نمایشگاه می‌شوند. بین حقوق شهروندان صاحب خودرو که از مزایای سوبسید سوخت بهره می‌برند و نمایشگاهی که پل ارتباطی و تولید ملی با اقتصاد جهانی است کدام اولویت دارد؟ همین طور مگر انبوه مردمی که از نمایشگاه‌ها دیدن می‌کنند بیکارراند و یا نباید از حقوق شهروندی برخوردار باشند؟^۳

وزارت بازرگانی نیز معترض شد که چرا به جای مدیریت صحیح ترافیک و اتخاذ تدابیری چون احداث خط مترو و ارائه سرویس‌های منظم تردد عمومی به نمایشگاه ممنوعیت توقف اتومبیل‌های شخصی، احداث خطوط ترافیک کند رو مختص ترافیک نمایشگاه شهرداری تصمیم گرفته خود نمایشگاه را ببندد؟

علیرغم نمایش قدرت شهرداری و اظهارات قاطع رئیس شورای شهر دال بر در دست داشتن حکم قضایی برای پلمپ کردن دائمی نمایشگاه بعید به نظر می‌رسد شورای شهر و شهرداری تهران اختیارات قانونی کافی برای چنین اقدامی داشته باشند.^{۱۲} شرکت سهامی نمایشگاه‌ها متعلق به وزارت بازرگانی بوده و تحت نظارت شهرداری نیست. احکام قانونی شورای شهر نیز باید به تأیید وزارت کشور برسد و فرماندار تهران رسماً استفاده از ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها توسط شورای شهر در این مورد خاص را خلاف قانون دانستند. چنانکه در ماجرای اختلاف نظر شهردار و شورای شهر قبلی تهران مشاهده شد در صف آرای میان این نهادهای شهری و دولت مرکزی دومی دست بالا را داشته و عنداللزوم حتی از عزل و انحلال شورای شهر آبا ندارد. ولی کماکان سوال اصلی آن است که «بالاخره داستان واقعی نمایشگاه بین‌المللی تهران چیست؟» آیا شهرداری و شورای شهر محافظه کار، حامی و مدافع حقوق شهروندان و ساکنین ولنجک و زعفرانیه و ونک است و وزارت بازرگانی و هیئت دولت مدافع منافع سرمایه‌داران، اصناف، و شرکت کنندگان در نمایشگاه بین‌المللی؟ آیا دولت مدافع کلان اقتصاد ملی را به حقوق و رفاه شهروندان یک منطقه شهر ترجیح می‌دهد و تأمین آسایش آنها را مهمتر از دستاوردهای نمایشگاه می‌داند؟ آیا «نمایش قدرت» شهرداری در برابر مسئله نمایشگاه حربهای است تاکتیکی برای پوشاندن ضعف‌های مدیریتی محافظه کارانی که از مشروعیت انتخاباتی بسیار ضعیف و توان اجرایی ضعیف‌تری برخوردارند و با این تاکتیک سیاسی بر سر و صدا و جنجالی قصد دارند از خود تصویری به عنوان مدافع حقوق قانونی شهروندان در اذهان عمومی تثبیت کنند؟ آیا این مانورها و نمایش قدرت در برابر دولت دنباله استراتژی دامن زدن به بحران‌های بی‌دربی در مقابل دولت اصلاح‌طلب خاتمی است که پس از به بن‌بست رسیدن اصلاحات سیاسی دستاوردهای اقتصادی دولت وی را نیز هدف قرار دهند؟^{۱۳} و سؤال آخر، و همیشه مطرح در جامعه‌ای که بی‌اعتمادی به بدیل‌های سیاسی موجود، به غلط یا درست همیشه پیش فرض سوء استفاده‌های پنهان را در اذهان عمومی متبادر می‌کند، آن که آیا در پس پرده محاصره تهاجمی علیه مکان نمایشگاه تهران توطئه مشکوک برای دست انداختن روی اراضی نمایشگاه که جزء گران‌قیمت‌ترین زمین‌های کشور می‌باشند در جریان است؟

نمایشگاه تهران در سال ۱۳۴۳ در زمینی به وسعت ۱۰۰ هکتار در خارج محدوده تهران آن روز تأسیس شد. اگر اینک از لحاظ مسکونی و تجاری حول و حوش آن با تراکم و ازدحام فراوانی روبرو شده مسئول آن شهرداری تهران است که مجوز ساخت و سازهای اطراف نمایشگاه را طی این ۴۰ سال صادر نموده. عرصه ۱۰۰ هزار متری زمین نمایشگاه متعلق به آستان قدس رضوی است و اعیان آن در اختیار وزارت بازرگانی طبق گفته کارشناسان ارزش این اراضی در حال حاضر تا ۲/۵ میلیون تومان برای هر متر مربع تخمین زده شده است، و در

حال حاضر نیز توافق‌ها و رایزنی‌هایی میان شهرداری و وزارت بازرگانی در جریان است تا بخشی از این فضا را با تغییر کاربری به فضای تجاری تبدیل کنند.^{۱۲}

هنگامی که زمزمه‌های تبدیل فضای نمایشگاه توسط شهرداری تهران به فضای تجاری به بیرون درز کرد شورای شهر بلافاصله خود را ملزم به تکذیب این خبر دید. به گفته آقای جمران رئیس شورای شهر «قطعا چنین بدجنسی‌هایی نداشته‌ایم و واقعاً برای مردم فکر می‌کنیم و دلمان برای ناراحتی مردم آن قسمت شهر می‌سوزد. ما در تعطیلی مکان نمایشگاه به دنبال پول آن نیستیم. اگر به دنبال پول بودیم اراضی عباس آباد را فقط به فضای سبز و فرهنگی اختصاص نمی‌دادیم چرا که هر متر آنجا میلیون‌ها تومان ارزش دارد. در اطراف محل نمایشگاه زندگی مردم فلج شده و مشکل ما فقط همین است»^{۱۵}

اشاره به اراضی عباس آباد جالب است چون بزرگترین منطقه خالی از سکنه پایتخت توسط ارگان‌های مهم دولتی، از بنیاد مستضعفان گرفته تا مؤسسه اطلاعات، بانک مرکزی، وزارت راه، راه‌آهن، و بزرگراه‌های متعدد، و مصلاهی تهران قطعه قطعه شده و تنها پارک طالقانی و ساختمان در دست احداث کتابخانه ملی را می‌توان در این منطقه به عنوان فضای سبز و فرهنگی حساب نمود.

واقعیت امر این است که در شرایط فعلی جامعه و شهروندان مشکل بتوانند به نهادهای اجرایی و حتی انتخابی خود اعتماد کنند. تجربه تلخ آن چه بر سر فضاهای شهری و زندگی شهری مردم در سال‌های گذشته رفته و کماکان می‌رود تا حد زیادی روش و بینش مسئولان شهری و دولتی را زیر سوال برده و شبهه نوعی رویکرد سوداگرانه سرمایه‌های خصوصی را به اذهان متبادر می‌کند. و این در حالی است که علیرغم ادعاهای مکرر مسئولین متفاوت از جناح‌های مختلف سیاسی، مبنی بر این که «شهر برای فروش نیست» روشن شده که اتفاقاً برای تأمین درآمد و بودجه و پول همه چیز، از جمله فضاهای مشاع و عمومی شهری، قابل تبدیل به کالا و خرید و فروش هستند.

نمونه بارز این مسئله فروش تراکم است. طبق قوانین شهری فضای عمودی شهر مشاع، عمومی و متعلق به همه شهروندان فعلی و نسل‌های آینده است. تبدیل چنین ملک عمومی به ملک شخصی افراد، برای کسب درآمد شهرداری و پرداخت حقوق کارکنان آن تعرض و تجاوز آشکار به حقوق جمعی شهروندانی است که شهرداری مسئولیت تضمین منافع و رفاه آنها را دارد. در دوره کرباسچی درآمد «غیرقانونی» حاصله از فروش تراکم دست کم صرف احداث فرهنگسرا و ساختن بزرگراه‌هایی شد که شمال و جنوب شهر را به هم متصل کردند.^{۱۶} بر کسی پوشیده نیست که همین فرهنگسراهای پرشور و هیجان سال‌های دهه ۷۰ توسط هم جناحی‌های محافظه کار گروه فعلی حاکم بر شورای شهر و شهرداری مورد هجوم قرار گرفت و در نتیجه کل فعالیت‌ها و حضور اجتماعی فرهنگسراها به سایه کمرنگی از آنچه در آغاز بودند تقلیل یافته و حمایت و مشارکت خود جوش و پرشور مردمی را از دست داد. سوال فعلی این است که بالاخره سرنوشت یکی از معدود فضاهای عمومی خوشایند باقی مانده در

تهران، یعنی فضای نمایشگاه بین‌المللی چه خواهد بود؟ و تبدیل این ۱۰۰ هکتار زمین باز به مغازه و برج و ساختمان اداری به نفع چه کسانی و یا به ضرر چه کسانی خواهد بود؟

نمایشگاه تهران تنها یک فضای اقتصادی - تخصصی نیست، بلکه در عین حال یک فضای عمومی شهری است که همه شهروندان پایتخت و اقصی نقاط کشور از آن استفاده کرده و طی بازدیدهای خود از آن نه تنها با کالاها و فرآورده‌های فرهنگی - صنعتی کشور و جهان آشنا شده، بلکه در عین حال با دیگر شهروندان این مملکت از طبقات اجتماعی، مناطق جغرافیایی با زبان‌ها، ایل‌ها، اقلیت‌ها و رفتارها و کنش‌های متفاوت مواجه شده و در محیطی آرام، خوشایند و مشترک یکی بودن و «ایرانی بودن» خود را در عمل تجربه می‌کنند.^{۱۷} قطعاً از خیابان‌های ما، که از صدقه سیاست‌های صنعتی و سوبسیدی دولت و شهرداری به کل تبدیل به فضاهایی متعلق به خودرو و خودروداران شده، نمی‌توان انتظار داشت نقش چنین فضای عمومی - فرهنگی را ایفا کنند. به عبارت دیگر شهر تهران و کشور ایران به فضاهایی مثل مکان نمایشگاه تهران نیازی مبرم و حیاتی دارد خصوصاً چون در اثر سیاست‌های شهرداری و دولت دیگر در این شهر مکان عمومی مشابه دیگری باقی نمانده است.

حتی اگر نمایشگاه‌های تخصصی به نقطه دیگری منتقل شوند نمایشگاه‌های پر طرفدار عمومی، بخصوص نمایشگاه کتاب و مطبوعات می‌باید در محل فعلی برگزار شوند، و می‌باید از شهردار و شورای شهر و نیروی انتظامی انتظار داشت که به جای صحبت از انتقال نمایشگاه و «حذف صورت مسئله» به وظیفه اصلی خود، یعنی مدیریت و هدایت بهتر ترافیک و تعیین کاربرد منطقی تری اراضی اطراف نمایشگاه بپردازند.

نکته مهم‌تر این که با در نظر گرفتن کارنامه شهرداری و شورای شهر فعلی و قبلی و تجربه عملی فروش فضاهای مشترک شهر طی این سال‌ها به عزم به دستگاه‌های دولتی و اجرایی برای حراست این میراث و ملک عمومی نمی‌توان امیدوار بود. دگرگونی‌های ایجاد شده در روزنامه همشهری و بنیاد همشهری و یا سرنوشت فرهنگسراها به خوبی نشان می‌دهد که هنگامی که دستگاه‌های اجرایی بین جناح‌های سیاسی رقیب (و یا حتی رژیم‌های سیاسی حاکم) دست به دست شوند منافع مقطعی سیاسی و جناحی می‌توانند به راحتی بر منافع عمومی و دراز مدت تفوق یافته و آن را قربانی می‌کنند. یک راه حل انتقال دائم و بی‌قید و شرط این عرصه‌های عمومی به نهادهای غیرسیاسی - غیردولتی - غیر خصوصی، و منع دخل و تصرف در مالکیت و عملکرد آن می‌باشد. شاید بتوان در این زمینه الگوی بومی اوقاف یا مثلاً الگوی سازمان رسانه‌ای بی‌بی‌سی را مورد توجه قرار داد. بی‌بی‌سی به عنوان یکی از معتبرترین رسانه‌های خبرگزاری جهانی شناخته شده زیرا مدیریت و مالکیت آن تحت نظارت هیئت امنایی قرار گرفته که نه زیر سلطه دولت و حزب حاکم وقت است و نه زیر سلطه بخش خصوصی.

در عین حال درآمد و مخارج بنگاه بی‌بی‌سی نه وابسته به بودجه دولتی است و نه فروش تبلیغات تجاری بلکه از طریق دریافت مالیاتی جداگانه از همه شهروندان تأمین می‌شود. این الگوی مالکیت، مدیریت، و درآمد، این رسانه عمومی را از یک استقلال منحصر به فرد برخوردار ساخته است که در اثر آن اخبار، اطلاعات، و برنامه‌هایی با

کیفیت بالا را تولید نموده و نسبت به هر حزب و گرایش سیاسی حاکم بر امور مملکت نیز با یک دید یکسان انتقادی و مستقل نگاه می‌کند.^{۱۸}

یک چنین الگویی را در فضای اطلاعاتی - ارتباطی - رسانه‌ای عمومی، می‌توان در فضای عمومی فیزیکی تهران و دیگر شهرهای مملکت پیاده کرد تا نه دولت‌ها، نه رژیم‌ها و نه جناح‌های سیاسی حاکم در لحظه، و نه منافع سودجویانه بخش خصوصی توان دخل و تصرف در فضای عمومی که پیش شرط حیاتی تجربه شهروندی و شراکت در زندگی سیاسی مشترک دموکراتیک و ملی است را داشته باشد.

یادداشت‌ها

تفتک ۱۳۷

۱. روزنامه ایران، ۱۳ مرداد ۱۳۸۳: عبدالله رمضان‌زاده «مصوبه شورای شهر درباره نمایشگاه غیرقانونی است. چون فرمانداری اعلام کرده است».
۲. نگاه کنید به کاوه احسانی: یک شهر به فروش می‌رسد، فصلنامه تفتکو شماره ۳۳، خرداد ۱۳۸۱، صفحه ۱۰۵-۱۰۰.
۳. مسئولیت وضعیت فجاج ترافیک تهران متوجه کل دستگاه دولتی - حکومتی و نه تنها شهرداری و نیروی انتظامی است: پالایشگاهها بنزین سربدار با اکتان پایین تولید می‌کنند کارخانجات اتومبیل‌سازی تولیداتی با کیفیت بسیار نازل به بازار عرضه می‌کنند و هنوز پس از سی سال خط تولید لنبوه اتومبیل‌های گاز سوز و پمپ‌های گاز در مملکت وجود ندارد؛ حجم تولید خودروهای عمومی نسبت به ماشین‌های شخصی بسیار پایین است و ظاهراً قرار نیست حمل و نقل عمومی در این شهر سهم بیشتری پیدا کند. مجلس و وزارت نفت کماکان بنزین را به نرخ سوسیدی بسیار پایین عرضه می‌کنند که نتیجه آن عدم صرفه‌جویی و در عین حال بسط جغرافیایی شهر و رفت و آمدها است. حتی تکنولوژی‌های تقلیل آلودگی هوا که چندین دهه در جهان مورد استفاده بوده مثل catalytic converter، توسط تولید کنندگان داخلی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.
۴. «بر اساس مصوبه شورای شهر از اول مرداد برگزاری نمایشگاه در محل دائمی نمایشگاه ممنوع شده» (ایران، ۱۰ تیر ماه ۱۳۸۳) وزیر کشور: «شورای شهر نمی‌تواند مصوباتی خلاف سیاست‌های دولت وضع کند» (ایران، ۱۰ تیر ماه ۸۳) شهردار تهران: «شهرداری تهران مصوبه تعطیلی نمایشگاه را قاطعانه اجرا می‌کند» (اطلاعات، ۱۳ تیر ۸۳) استانداری تهران: «تعطیلی نمایشگاه بین‌المللی فعلاً عملی نیست» (اطلاعات، ۱۵ تیر ۸۳) سخنگوی دولت: «استانداری و فرمانداری تهران در موضوع نمایشگاه وارد اقدام قانونی می‌شوند» (اطلاعات، ۱۵ تیر ۸۳) وزیر بازرگانی: «نمی‌توان نمایشگاه بین‌المللی را یک طرفه تعطیل کرد» (ایران، ۶ تیر ۸۳).
۵. ندا دهقانی، ماجراهای یک نمایشگاه، ایران، ۳۰ مهر ۱۳۸۲. همین‌طور نگاه کنید به روزنامه ایران مورخ ۱۰ تیر ۱۳۸۳: «شرکت سهامی نمایشگاه‌های بین‌المللی متعدد شد ۵۱٪ سهام خود را به شهرداری بفروشد - شهرداری در حال بررسی اسناد کارشناسی این پیشنهاد است».
۶. نیما اسدی: این بار ماجرای نمایشگاه بین‌المللی، ایران اقتصادی، چهارشنبه، ۲۱ مرداد ۱۳۸۳.
۷. «مخالفات اتحادیه صادرکنندگان فرش با تعطیلی نمایشگاه بین‌المللی» (ایران، ۵ مرداد ۸۳): «دبیر کل دفتر نمایشگاه‌های جهانی: تعطیل شدن نمایشگاه بین‌المللی به ضرر اقتصاد ایران است» (ایران، ۶ مرداد ۸۳)؛ «اعتراض فرماندار تهران و مجریان نمایشگاه نسبت به تصمیم شورای شهر» (اطلاعات، ۷ مرداد ۸۳)؛ «محمدرضا بهزادیان رئیس اتاق بازرگانی تهران نیز سخنان خسرو تاج را تأیید کرد» (اطلاعات، ۸ مرداد ۸۳) «وزیر صنایع به تعطیلی نمایشگاه اعتراض کرد: نمایشگاه بین‌المللی در بیابان؟» (ایران، ۱۰ مرداد)؛ «جمال‌الدین جلالی رئیس هیئت مدیره انجمن صادرکنندگان کلاه‌های صنعتی، معدنی و خدمات مهندسی، تعطیلی نمایشگاه تهران تحقق برنامه‌های صادراتی را با مشکل مواجه می‌کند» (ایران، ۱۱ مرداد ۸۳)؛ «امیرحسین سعیدی نماینده شرکت‌های کامپیوتری در شورای عالی انفورماتیک تعطیلی نمایشگاه تخصصی تله‌کام موجب بی‌اعتباری دعوت کنندگان ایرانی می‌شود - در حالی که بزرگترین بازار منطقه را داریم که سعی داریم جای دبی را بگیریم» (ایران، ۱۳ مرداد ۸۳) «سخنگوی دولت: کارگاه چوب‌بری محل مناسبی برای نمایشگاه بین‌المللی نیست» (ایران، ۲۰ مرداد ۸۳) «حسین اسفهدی مدیرعامل شرکت نمایشگاه‌ها: نمایشگاه‌ها بر اساس تقویم و در محل فعلی برگزار خواهند شد» (ایران، ۱۹ مرداد ۸۳) «رئیس جمهور خاتمی: نمایشگاه یک مکان ملی و حتی بین‌المللی است تصمیم‌گیری در مورد نمایشگاه یک مسئله شهری کوچک نیست بلکه اثر شدید در امر اقتصاد و حیثیت بین‌المللی کشور دارد بنابراین مسئله نمایشگاه موضوعی است که در سطح مدیریت کلان نظام و دولت است» (ایران، ۲۲ مرداد)

۸. ولی‌الله جرجانی: نمایشگاه یک رسانه ملی، شرق ۴ مرداد ۸۳

۹. محمد جعفر حبیب‌زاده مدیر کل امور حقوقی وزارت کشور: استناد به ماده ۵۵ قانون شهرداری برای تعطیلی نمایشگاه فاقد توجیه حقوقی است. (اطلاعات ۴ مرداد)

بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری برای جلوگیری از اماکنی است که برای ساکنین مزاحمت ایجاد کرده یا مخالف اصول بهداشت در شهرها هستند. این قانون از تأسیس کارخانه‌ها، گاراژهای عمومی، تعمیرگاه‌ها، دکان، مراکز درمانی و اصطبل چهارپایان و کسب‌های پر سر و صدا و دود آلود و عفونت‌زا و تجمع حشرات ممانعت می‌کند نه از مکانی که فرآورده‌های داخلی کشور به منظور ارتقاء صادرات غیر نفتی به نمایش گذاشته می‌شود.

۱۰. ایران، ۳ مرداد ۸۳

۱۱. «وزیر صنایع به تعطیلی نمایشگاه اعتراض کرد: نمایشگاه بین‌المللی در بیابان؟» (ایران ۱۰ مرداد ۸۳) حسین انواری: تعطیلی نمایشگاه و قضاوت عادلانه (اطلاعات ۲۸ تیر ۸۳)

۱۲. علی دهقان: نمایش اقتدار شهرداری در نمایشگاه بین‌المللی «وقایع نفتی» ۱۵ تیر ۸۳: «چرمان: برای نمایشگاه در محل فعلی منجر به پلمب سالن‌ها و غرفه‌ها خواهد شد» اطلاعات ۱۲ مرداد ۸۳: «مانور مأموران شهرداری برای تعطیلی نمایشگاه» ایران ۱۳ مرداد ۸۳. برای مثال نگاه کنید به سر مقاله «ایران: نمایش قدرت پایین‌تر از لوب» ۱۳ مرداد ۸۳: «تعطیلی نمایشگاه... اولاً عین تخلف از قانون است و ثانیاً عین مقابله جویی با سیاست‌های اقتصادی و بازرگانی دولت... امسال سال هشتم اصلاحات است سال پایانی رقیب می‌پسندند که در ذهن جمعی ایرانیان اصلاحات «به یک خاطره بد» تبدیل شود. بر این اساس است که می‌کوشد پس از سیاست و فرهنگ اصلاح‌طلبان تدابیر اقتصادی‌شان را نیز زمین‌گیر کند. لایحه برنامه چهارم را به تیغ نقد بی‌رحمانه می‌کشاند تا اقتصاد کلان اصلاح‌طلبان ناکارآمد شود. نمایشگاه بین‌المللی را تعطیل می‌کند تا اقتصاد خرد ایشان مختل و مخدوش شود. «کار برادر بزرگتر را در گوشه‌هایی از نهاد قانون گذاری برادر کوچکتر در بخش‌هایی از شهر کامل می‌کند»

۱۴. ندا دهقانی: ماجراهای یک نمایشگاه، ایران ۳۰ مهر ۱۳۸۲، نیما اسدی: این بار ماجرای نمایشگاه بین‌المللی، ایران اقتصادی ۲۱ مرداد ۸۳: «اعتراض وزارت بازرگانی به انتشار گزینشی توافقنامه با شهرداری تهران: اسناد و مکاتبات با شهرداری را به افکار عمومی ارائه خواهیم داد» (ایران، ۱۷ مرداد ۸۳): هاشم سعیدی، سخنگوی وزارت بازرگانی «حال باید از شهرداری تهران پرسید اگر شما به دنبال بستن کامل نمایشگاه به دید چرا در جلسه‌های متعدد با مسئولان وزارت بازرگانی تفاهم‌نامه‌های مختلف یاد شده را امضا کردید... چرا با وزارت بازرگانی طی یک ماه اخیر به صورت مکتوب در جهت توسعه فضاهای تجاری در محل فعلی نمایشگاه بین‌المللی توافق کرده و تقاضای تحویل زمین برای اجرای پروژه فروشگاهی علاوه بر نمایشگاهی نموداید؟»

۱۵. چرمان: «مکان فعلی نمایشگاه بین‌المللی نباید تجاری، مسکونی و اداری شود» اطلاعات ۱۵ تیر ۸۳. وی افزود: «هر نوع تغییر کاربری در مکان نمایشگاه باید بر اساس طرح جامع و تفصیلی منطقه باشد. برخلاف ادعای برخی در خصوص منافع اقتصادی ناشی از تعطیلی نمایشگاه تنها هدف شورای شهر کاهش معضلات ترافیکی است»

16. Kaveh Ehsani: Tehran's Municipal Matters. *Middle East Report*, # 12, Fall 1999

۱۷. نگاه کنید به:

Kaveh Ehsani: "The Tehran Book Fair: The Politics of Public Space", *Daily Star*, August 7, 2004

۱۸. نمونه استقلال عمل BBC افشاکاری اخیر آن در مورد دولت تونی بلر و استدلال آن برای حمله به عراق بود. در مقایسه رسانه‌های امریکا چنین افشاکاری در مورد دولت خود نکرده و حتی مهمترین روزنامه امریکا یعنی نیویورک تایمز یک سال بعد از اشغال عراق اعتراف کرد که اخبار و اطلاعات مربوط به عراق را جعل کرده بود. دولت سوسیالیستی جدید اسپانیا و نخست وزیر آن خوزه لویس رودریگز زاپاترو نیز رسماً خواستار تغییر ساختار رسانه‌های دولتی اسپانیا و ایجاد نهادی عمومی برای خبررسانی و تحلیل بی‌طرفانه سیاسی شده و الگوی بی‌بی‌سی را برای این اقدام برگزیده است.

نگاه کنید به:

Leslie Crawford: "Do not Fail us", *Financial Times*, July 17& 18, 2004